«التحریر» از درون

جمعه ۲۸ ژانویه

جمعه خشم... روز فصل

نویسنده: سعد القرش، ترجمه: مریم حیدری

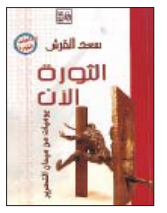

● «عبدالرزاق عید» با من تماس نگرفت. مرد منظمی است و به حکم کارش، یعنی تدریس در دانشگاه «قاهره» و مشارکت‌های داوطلبانه در بسیاری از فعالیت‌های سیاسی، صبح زود از خواب بلند می‌شود. مثل من نیست که آخر شب بخوابد، یا اصلا نخوابد و امروزش را به فردا، وصل کند.

خیابان فیصل، به‌طوری غیرمعمول از مردم و ماشین، خالی بود. خودم را توی اولین «میکروباس» انداختم و چند بار به عبدالرزاق تلفن کردم، ولی جوابی نمی‌آمد. تلفنم را خاموش و روشن کردم. گفتم شاید مشکل از موبایلم باشد. مرد کناردستی‌ام، حیرتم را دید و گفت هر سه شبکه تلفن همراه، از صبح، قطع شده‌اند. اینجا بود که متوجه شدم جنگ، آغاز شده. اینترنت هم از پنج روز پیش، قطع شده بود. شبکه عربی اطلاعات حقوق بشر، بیانیه‌ای خطاب به نماینده مصر صادر کرد و خواستار پرسش از وزیرمخابرات و دیگر مسوولان و شرکت‌های تلفن همراه و اینترنت، در رابطه با «مسوولیت جزایی مشارکت در آسیب‌رساندن به تظاهرکنندگان و کشتار آنان در اثر قطع ظالمانه خدمات اینترنت و مخابرات از شهروندان» و عدم امکان تماس مجروحان با اورژانس شد. عبدالرزاق عید نیامد و تا روزهای بعد هم خبری از او نداشتم.

به میدان «جلا» رسیدیم. مجسمه طه حسین، با غرور ایستاده بود و به جزیره و اپرا و سپس به میدان تحریر نگاه می‌کرد. زره‌پوش‌های پلیس در خیابان‌ها و میدان‌ها پراکنده بودند و پلیس، آماده حمله. پل «جلا» را بسته بودند و هر که می‌خواست از آنجا بگذرد، باید به سمت راست یعنی میدان جیزه یا به سمت چپ می‌رفت و از پل اکتوبر می‌گذشت. فرصت رفتن به میدان تحریر از طریق پل «قصر النیل» را از دست دادم و نتوانستم درگیری‌هایی را که منجر به ورود به میدان تحریر در ابتدای شب شده بود، ببینم. البته، از طرف میدان طلعت‌حرب در منطقه «وسط البلد» هم آن را در اختیار داشتیم. همان‌طور که پیش می‌رفتم، صدای شعار شنیدم. به پشت سرم نگاه کردم. به فاصله دوری از من، زیر پل و در خیابان‌های باریک، جمعیت بسیاری داشتند از گازاشک‌آور فرار می‌کردند و به طرف ساختمان تلویزیون می‌رفتند. شعارهای‌شان را نمی‌شنیدم. وارد خیابان «طلعت حرب» شدم؛ قلب واقعه. اینجا، شعار سقوط حسنی مبارک هم معنا داشت و هم رسا بود.

گاز اشک‌آور زدند.

در خیابان طلعت، داشتیم در مساحتی که بیشتر از ۵۰۰متر نبود، حرکت می‌کردیم. نه می‌توانستیم به میدان طلعت حرب، برویم و نه توان مواجهه با گلوله‌هایی را داشتیم که آن طرف‌تر، از روبه‌روی اتحادیه روزنامه‌نگاران در خیابان عبدالخالق ثروت، از طرف زره‌پوش پلیس شلیک می‌شدند و به سرعت، از خیابان طلعت حرب می‌گریختند و به میدان می‌رسیدند، بعد از خیابان رامسس چرخ می‌خوردند و به سوی‌مان می‌آمدند. چشم‌های‌مان از دود گاز اشک‌آور، کور شده بود. زنان و مردان مسن از بالکن خانه‌ها، روی ما آب می‌ریختند، اما آب، درد چشم‌ها را بیشتر می‌کرد. تعدادی افراد خبره، با خلال پیاز و دستمال‌کاغذی آغشته به سرکه به دادمان رسیدند و هشدار دادند که چشم‌های‌مان را با آب نشوییم؛ فقط کمی آب معدنی. مردم هم از توی خانه‌ها، پیاز و سرکه و آب معدنی و گاهی هم سیب، به سوی‌مان می‌انداختند.

همیشه خبر و شایعه در انقلاب‌ها، نقش بارزی در بالابردن روحیه مبارزان دارد. در فضایی محدود، میان «میدان عرابی» و انتهای «خیابان توفیقیه» و خیابان ۲۶جولای، محاصره شده بودیم. صدای گلوله‌ها، قطع شده بود. ناگهان، یکی از معترضان، از سمت «میدان عرابی»، جمعیت را کنار زد و مژده داد:

پلیس اسکندریه به تظاهرکنندگان پیوست.

برای‌مان مهم نبود که از حقیقت خبر، مطمئن شویم. این خبر را با خوشحالی به هم می‌گفتیم. افسران و سربازان، شنیدند و دست از گازاشک‌آور و چماق برداشتند ولی همچنان، مانع از حرکت ما می‌شدند. هنوز بازمانده توانی در آنان بود که محاصره ما را ادامه می‌داد تا به طرف اتحادیه وکلا و روزنامه‌نگاران نرویم.

محاصره‌شدن در «وسط البلد» نگذاشت درگیری‌های دیگر را در میدان تحریر و به‌خصوص، بالای پل «قصرالنیل» ببینم. جنگ میان میدان طلعت حرب و التحریر تا فرارسیدن شب، ادامه داشت.

پلیس داشت در آخرین درگیری و دفاع از آخرین دژ، یعنی میدان تحریر، همت به خرج می‌داد. ما هم منتظر ارتش بودیم که بیاید و ما را از دست پلیس نجات دهد و بتوانیم بزرگترین میدان پایتخت را آزاد کنیم. کاری که با مقاومت مردم با موفقیت انجام شد.

شب، در را باز کردم. لباس‌هایم را که پر از عرق و گردوخاک و بازمانده باروت و گاز اشک‌آور بود، درآوردم و خودم را در آب گرم انداختم. خوابم برد. وقتی بیدار شدم، داشتم این سوال را از خودم می‌پرسیدم که: آیا واقعا پیروز شدیم؟

تا تلویزیون را روشن کردم، فریاد هیستریک «عبدالله کمال» به گوشم رسید: «این، جمعه خشم نیست؛ جمعه اغتشاش و تخریب است.» تلویزیون را خاموش کردم و عبدالله کمال را تنها، در تاریکی جعبه، رها کردم و دوباره، خودم را به خواب سپردم.

الو رییس‌جمهور؟!

● چاوز به کمک دستگاه‌های حیات‌بخش نفس می‌کشد

شرق، حسین موسوی: حال او خوب است باور کنیم یا نکنیم؟ این مهم‌ترین پرسش این روزهای مردم «ونزوئلا»ست که جویای احوال رییس‌جمهوری‌شان هستند. با این حال باید اذعان داشت که تنها بیماری «چاوز» بود که در نهایت او را از کاخ ریاست جمهوری به دور کرده است. بیماری طولانی که نزدیک به دو سال او را آزار داد و اکنون نیز خبر می‌رسد که به کما رفته است. «دیلی‌میل» در گزارشی می‌نویسد که او با کمک دستگاه‌های حیات‌بخش نفس می‌کشد. این در حالی است که در حین درمان رییس‌جمهوری ونزوئلا گزارش شده که ریه‌های او آب آورده است و باید برای جلوگیری از نفوذ عفونت به درمان این بخش نیز بپردازند. این خبر را به‌رغم جلوگیری از شایعات مطرح شده حول و حوش بیماری رییس‌جمهوری ونزوئلا، «رنستو ویلگاس»، وزیر اطلاع‌رسانی این کشور اعلام کرده است. با این وجود دیلی‌میل می‌گوید که برخی شایعات حاکی از مرگ چاوز است و دولت ونزوئلا نمی‌خواهد این خبر را فعلا فاش کند. در مقابل، دولت ونزوئلا ضمن رد اینگونه شایعات اعلام کرده که تیم پزشکی که چاوز را درمان می‌کند قابل اطمینان است. برخی از روزنامه‌ها نیز از بهبود حال چاوز خبر می‌دهند و برخی دیگر نیز به حضور نیافتن او در روز ادای سوگند اشاره کرده‌اند. سه هفته است که چاوز برای درمان بیماری سرطان خود به هاوانا سفر کرده و در این مدت هیچ تصویری از او یا اطلاعیه‌ای درباره وضع جسمانی‌اش منتشر نشده است. مخالفان، دولت کاراکاس را به کوتاهی در اطلاع‌رسانی در این زمینه متهم کرده‌اند. این درحالی است که نزدیکان رییس‌جمهور ونزوئلا تلاش می‌کنند به مردم دلگرمی دهند. داماد هوگو چاوز که وزیر علوم این کشور است، اخیرا در صفحه خود در پایگاه اجتماعی توییتر اعلام کرد وضعیت جسمانی رییس‌جمهوری ونزوئلا باثبات است و همچنان روحیه مبارزه از خود نشان می‌دهد.

سرطان یا ریاست جمهوری؟

۱۸ ماه است که رییس‌جمهوری ونزوئلا تحت درمان است تا بتواند بر بیماری خود غلبه کند. در این مدت چهاربار خود را به تیغ جراحان سپرده است. اما در سومین جراحی خود یکی از دکترهای مراقب او اعلام کرد که سرطان تا استخوان چاوز نیز نفوذ کرده است. همین اظهارنظر کافی بود تا او شغل خود را از دست دهد. با این وجود چاوز برای دور تازه انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام آمادگی کرد و گیتار به دست هواخواهان خود را تشویق به رای‌دادن به نفع او کرد. او برای اینکه مردم را به حضور بیشتر در انتخابات دلگرم کند، برنامه «الو رییس‌جمهور» را از نو از سر گرفت. برنامه‌ای که به ناگاه به روی آنتن می‌رفت و از شش‌ساعت تا زمانی که مردم از او سوال داشتند در تلویزیون حاضر می‌شد. در این برنامه، گاه آواز خواند و گاه توصیه‌های نادری به مردم آمریکا می‌کرد که به باراک‌اوباما رای دهند. شاه بیت وعده‌های او اما حضور نفت بر سر سفره‌ها بود. سایت انتخاب به نقل از بی‌بی‌سی در این باره نوشت: «سوسیالیسم قرن بیست‌ویکم»؛ این اصلی‌ترین شعار هوگو چاوز در کارزار انتخابات ریاست‌جمهوری ونزوئلاست، چاوز که ۱۴ سال است، عنوان رییس‌جمهوری این کشور را یدک می‌کشد، یک شعار بحث‌انگیز دیگر هم دارد: «آوردن نفت بر سر سفره مردم». همین وعده کافی بود که او بتواند رای ۵۰ به علاوه یک را به دست آورد و خود را تا سال ۲۰۱۹ رییس‌جمهوری این کشور بداند. این در حالی است که همان زمان گمانه‌زنی‌های سیاسی حاکی از این بود که با انفجار پالایشگاه کاراکاس و کشته شدن کارگران این پالایشگاه، این موضوع چشم اسفندیار رییس‌جمهوری این کشور شود. افزون بر این، عدم توانایی این کشور در اطفای حریق این پالایشگاه ضعف این دولت را در برخورد با این گونه سوانح بیش از پیش آشکار کرد. از سویی عدم نوسازی این پالایشگاه موردی بود که از سوی مخالفان در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور برجسته شده بود اما در نهایت چاوز توانست قدرت را مجددا در دست گیرد. قدرتی که مخالفان از دست او نتوانستند پس بگیرند، هم اینک در دستان ملک‌الموت قرار دارد. چاوز با مرگ دست و پنجه نرم می‌کند.

طرح: هادی حیدری

«هوگو رافائل چاوز فریاس»، پنجاه‌وسومین رییس‌جمهوری ونزوئلاست. چاوز به عنوان رهبر «انقلاب بولیواری» نیز شناخته می‌شود و به دلیل سیاست‌های سوسیال‌دموکراتیک و ضدیتش با جهانی‌سازی نئولیبرالی و سیاست خارجی ایالات متحده مشهور است. او موسس حزب چپگرای «جنبش جمهوری پنجم» است که در حال حاضر در ونزوئلا در قدرت است. هوگو چاوز که با اقتصاد مبتنی بر نفت روی کار آمده است، تاکنون توانسته از این رهگذر کرسی ریاست‌جمهوری را حفظ کند. او همچنین در همه‌پرسی خبرساز سال ۲۰۰۷ برای افزایش اختیارات خود تغییرات گسترده‌ای را در ده‌ها ماده از قانون اساسی ونزوئلا ایجاد کرد که به موجب آن محدودیت تصدی مقام ریاست‌جمهوری، که حداکثر دو دوره متوالی تعیین شده بود، برداشته شد.

اربکان، قربانی می‌گیرد

ارتشبد اسماعیل حقی قره‌دایی، فرمانده سابق ستاد مشترک ارتش ترکیه به دلیل توطئه علیه دولت «نجم‌الدین اربکان» بازداشت شد. قره‌دایی متهم است که به همراه دیگر فرماندهان ارتش در سال ۱۹۹۷ با فشار علیه اربکان، او را مجبور به استعفا کرد. (روزنامه تودیز زمان)

پدر ملاله یوسفزی دیپلمات شد

ضیاءالدین یوسفزی، پدر ملاله یوسفزی دختر ۱۴ ساله پاکستانی که در مهرماه هدف گلوله طالبان قرار گرفت، به سمتی دیپلماتیک در بیرمنگام منصوب شد. ملاله در منطقه تحت نفوذ طالبان در پاکستان، برای حق آموزش دختران مبارزه می‌کرد. (دیلی تلگراف)

ابقای بینر بر کرسی ریاست مجلس

جان بینر، عضو ارشد جمهوریخواهان و رییس مجلس نمایندگان آمریکا در سمتش ابقا شد. وی با کسب ۲۲۰ رای در برابر ۱۹۲ موفق شد «نانسی پلوسی» رقیبش از حزب دموکرات را در انتخابات ریاست مجلس نمایندگان شکست دهد. (واشنگتن‌پست)

آمار سازمان ملل از کشته شدگان بحران سوریه

«ناوی پیلای» کمیسر شورای حقوق بشر سازمان ملل آمار کشته‌شدگان در درگیری‌های سوریه را «تکان‌دهنده» خواند. در این فهرست که تهیه و تنظیم آن پنج ماه طول کشیده، مشخصات کشته‌شدگان با نام، نام‌خانوادگی، تاریخ و محل مرگشان ثبت شده است.

کشته‌شدگان شامل هر دو طرف درگیر به علاوه شهروندان عادی است.

آخرین آمار پناهندگان سوری که به دلیل شدیدتر شدن درگیری‌ها از سوریه گریخته‌اند نیز به جای خود حیرت‌آور است آژانس پناهندگان سازمان ملل متحد اعلام کرد، شمار پناهندگان سوری که در طول جنگ ۲۲ماهه داخلی از کشور خود گریخته‌اند، به حدود نیم میلیون نفر رسیده است که تنها در ماه دسامبر حدود ۸۴هزار نفر از سوریه گریخته‌اند و به این ترتیب شمار کسانی که تاکنون درخواست پناهندگی خود را ارایه داده‌اند از ۳۹۴هزار نفر به ۴۷۸هزار نفر رسیده است.

درحالی که اگر آمار کسانی که همچنان برای ارایه درخواست پناهندگی خود در نوبت هستند، به حساب آید، تعداد سوری‌هایی که به کشورهای همسایه گریخته‌اند به حدود ۵۶۹هزار نفر می‌رسد.به گزارش ایسنا، وزارت خارجه سوریه با انتقاد از گزارش کمیته بین‌المللی تحقیق درخصوص سوریه، این گزارش را عاری از حقیقت دانست.

این وزارتخانه ادعا می‌کند کمیته بین‌المللی تحقیق درباره سوریه از اطلاعات موثق و درستی که سوریه به این کمیته ارایه می‌دهد، استفاده نمی‌کند و بر اطلاعات نادرست و ادعاهای گروه‌های مسلح مخالف دولت، پافشاری می‌کند. این آمار در حالی اعلام می‌شود که درگیری‌ها در سوریه همچنان ادامه دارد. چهارشنبه این هفته هواپیماهای جنگی ارتش به پمپ بنزینی در حومه دمشق حمله کردند و در آن دست‌کم ۷۰غیرنظامی کشته شدند. به گزارش رویترز، این حمله در ناحیه ملیحا در شرق دمشق رخ داد که پایگاه مخالفان سوریه محسوب می‌شود.

سوریه با بحران کمبود سوخت روبه‌روست و رانندگان اغلب ساعت‌ها در صف پمپ بنزین‌ها منتظر می‌مانند.

از سوی دیگر خبرگزاری فرانسه به نقل از دیده‌بان حقوق بشر در سوریه گزارش داده است که مخالفان دولت روز پنجشنبه، با نیروهای حکومتی در حوالی فرودگاه بین‌المللی حلب درگیر شده‌اند.

این فرودگاه از روز سه‌شنبه هفته پیش بسته بود. همزمان خبر می‌رسد که صدها نفر از مخالفان دیگر به همراه دو گروه اسلامگرای افراطی به نام‌های «جبهه النصره» و «احرار الشام» در نزدیکی پایگاه هوایی تفتناز در شمال غرب استان ادلب با سربازان ارتش به شدت درگیر هستند.

با این حال وائل الحلقی، نخست‌وزیر سوریه همچنان بر شکست‌ناپذیربودن دولت تاکید دارد و می‌گوید: «سوریه با اتکا به اراده پایدارش در برابر همه دشمنان خود و توطئه‌های بیگانگان ایستادگی خواهد کرد.»

این در حالی‌است که هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه آمریکا در تماس تلفنی با اخضر الابراهیمی، فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب و حمدبن جاسم آل‌ثانی، نخست‌وزیر قطر درباره آخرین تحولات سوریه گفت‌وگو کرد.

عکس روز

هزاران هوادار سازمان فتح، دیروز برای گرامیداشت سالگرد تاسیس این سازمان در غزه راهپیمایی کردند.

عکس: AFP

دور و نزدیک

چالش مالکی و پارلمان

● **ایسنا:** به دنبال حمایت رییس پارلمان عراق از تظاهرات معترضان این کشور، نوری المالکی، نخست‌وزیر این کشور اعلام کرد که «اسامه النجیفی» مشروعیت خود را از دست داده و دیگر لیاقت رهبری پارلمان را ندارد. مالکی همچنین النجیفی را مسوول قوانینی دانست که تظاهرکنندگان در شماری از شهرهای عراق خواهان لغو آن هستند که بارزترین آن قانون مبارزه با تروریسم است. مالکی افزود: کابینه عراق و نخست‌وزیر، اختیار لغو قوانینی که پارلمان آنها را وضع می‌کند به ویژه قانون «بازپرسی و عدالت» و قانون «مبارزه با تروریسم» را ندارند.همچنین روز گذشته تظاهرات اعتراض آمیزی با حضور هزاران نفر از مخالفان مالکی در عراق تحت عنوان جمعه پایداری در عراق برگزار شد.

مذاکره با اوجالان

● **بی‌بی‌سی:** در یک ملاقات غیرمنتظره، دو تن از نمایندگان پارلمان کرد حزب صلح و آشتی ترکیه، «احمد ترک و آیلا آکات» با «عبدالله اوجلان» رهبر زندانی پ‌ک‌ک ملاقات کردند. این اولین باری است که نمایندگان کرد پس از مدت‌ها توانسته‌اند با اوجلان دیدار کنند. همچنین هاکان فیدان، رییس اطلاعات ترکیه دو روز را در زندان ایمرالی با اوجالان گذرانده است. مطبوعات ترکیه می‌گویند فیدان و عبدالله اوجلان بر روی برنامه خروج نیروهای «پ‌ک‌ک» از ترکیه موافقت کرده‌اند.

تظاهرات در عربستان

● **ایسنا:** مردم عربستان روز گذشته با برگزاری تظاهرات در پایتخت و شماری از شهرهای این کشور، آزادی زندانیان سیاسی را خواستار شدند. این اعتراض‌ها در شهرهای ریاض، القصیم و مکه برگزار شد. همچنین گروهی از زنان عربستانی با برگزاری تجمعی با عنوان «زنان خط قرمز هستند» به «محمد بن نایف»، وزیر کشور عربستان نسبت به پیامدهای هرگونه توهین به زنان هشدار دادند.

آزادی ۸۰ زندانی طالبان در افغانستان

● **بی‌بی‌سی:** دولت افغانستان ۸۰ زندانی وابسته به گروه طالبان را از زندان پلچرخی کابل آزاد کرد. مقام‌های دولت می‌گویند ۶۷ تن از آزادشدگان به اتهام مبارزه مسلحانه با دولت توسط نیروهای آمریکایی بازداشت شده بودند و پیش از این در زندان بگرام نگهداری می‌شدند. دولت افغانستان در چند روز گذشته هم نزدیک به ۲۰۰ زندانی طالبان را آزاد کرده بود که با محاسبه زندانیانی که روز جمعه آزاد شدند، مجموع آنها به ۲۷۸ نفر می‌رسد.